**افشین اشکور کیائی**

**«بررسی انسان شناسی جنگ»**

**مقدمه:**

**جنگ از یک سو به عنوان یکی از خشونت‌ترین کنش‌های و واکنش‌ها که موجب تغییرات و پیامدهای وسیع فرهنگی و اجتماعی می‌شود، و از سوی دیگر به عنوان یک واقعه اجتماعی مورد توجه انسان‌شناسان می‌باشد و که هر یک از انسان‌شناسان سعی می‌کنند به گونه به بررسی** ماهیت منشأ، روش، ابعاد، زمینه‌ها، نموده و پیامدهای فرهنگ و اجتماعی **بپردازد. در این مقاله سعی شده است با توجه به این امر، به بیان و تعریف حدود کارهای انسان‌شناسان در زمینه جنگ بپردازد و همچنین برای درک بیشتر این امر به چند کار صورت گرفته در زمینه انسان شناسی جنگ اشاره می‌کند.**

**تعریف و حدود انسان شناسی جنگ:**

اگر این نکته در انسان شناسی را بپذیریم که مطالعات در حوزه انسان شناسی بیش از اینکه بر گروه های مردمی باشد به مطالعه بر مضامین می‌باشد مثل جادو، دین، تقسیم کار و... (اوژه و کولن، 1388، 37) یکی از این مضامین «جنگ» می‌باشد که انسان‌شناسان مطالعه جنگ را به عنوان یک «واقعه اجتماعی» از نظر ماهیت منشأ، روش، ابعاد، زمینه‌ها، نموده و پیامدهای فرهنگ و اجتماعی مورد اهمیت قرار می‌دهد (ایوبی راد، 1376، 1) و به صورت دقیق‌تر به منشأ جنگ و دلایل آن را مورد توجه قرار می‌دهد و تغییر و دگرگونی و تطور جنگ در طول تاریخ و جنگ در میان قبایل را مورد مطالعه قرار می‌دهند (کمالی، 1389، 7) .

انسان شناسی جنگ تا مدت‌ها در گفتمان مردم شناسی جایی نداشت زیرا ایدئولوژی استعماری در پی ایجاد ثبات در سرزمین اشتغال خود بود و به همین دلیل تعارض‌های مسلحانة درونی را در این سرزمین‌ها حذف می‌کرد. این موضوع در دوران جنگ جهانی دوم مطرح شد و در این زمان تلاش شد با دست یافتن به تحلیل عمیق‌تر از پدیدة خشونت آن را از میان برداشت (ریویر، 1382، 202).

مباحث مربوط به انسان شناسی جنگ معمولاً در انسان شناسی سیاسی جنگ به عنوان یکی از مضامین خشونت پرداخته می‌شود که در آن دو واحد سیاسی و هویتی در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند.

با بررسی اجمالی در مورد مطالعاتی که در زمینه انسان شناسی جنگ صورت گرفته، می‌توان این دغدغه‌ها و سؤال‌ها را در بین انسان‌شناسان جنگ دید که به دنبال پاسخ دادن به آن‌ها هستند:

-آیا جنگ یک مسئله و بدعت اجتماعی و معلول عوامل اجتماعی و فرهنگی است یا جنگ یک ضرورت زیست شناختی و مربوط به فطرت و غریزه انسان است؟

-تغییر و تحول جنگ در گذر زمان چگونه است و سازمان اجتماعی و به تبع آن تحولات مهم زندگی بشری (تحول در شکار و روی آوردن به کشاورزی و از کشاورزی به صنعت و از صنعت به مرحله فرا صنعتی) چه تغییر و تحولاتی در مورد اهداف، زمینه‌ها، و سلاح و سازمان جنگی و... موجب شده است؟

-زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تهاجم و تهاجم پذیری در روابط کشورهای متخاصم کدام است؟ و آیا زمینه های چون اختلافات و مشترکات قومی، نژادی، مذهبی و ملی، ترکیب جمعیت یا انباشت پول و اسلحه یا شرایط خاص جامعه (مانند دوران بعد از انقلاب) از زمینه های تهاجم و تهاجم پذیری است؟

-ویژگی‌های فرهنگی و یا نمودهای فرهنگی مانند سلاح، سازمان جنگی، دیدگاه های رهبران سیاسی جشن‌ها و... هنگام و بعد از جنگ چگونه است؟

-پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... جنگ چه می‌باشد؟

-چرا انسان‌ها می‌جنگند؟

- چرا جنگ شروع می‌شود و نقش جنگ در تکامل انسان چیست؟

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که بخش عمده ای از انسان شناسی جنگ در قسمت تاریخچه جنگ‌ها، سیر تکامل جنگ و همچنین ماهیت و علل آن می‌باشد.

**نظریه های انسان شناسی جنگ:**

در یک دسته بندی در مورد چرایی جنگ، علت آن را در سه دسته نظریه‌ها قرار می‌دهد:1- مادی گرایی فرهنگی،2- انگیزش و مادی، 3- تولید مثل و بدنی.

1-در مورد اول بر منافع مادی تصمیم گیران جنگ (رهبران جنگ) تأکید می‌کند. علاوه بر این مورد، به سه عامل تکمیلی مادی که در شکل گیری و به وجود آمدن جنگ موثرند را بیان می‌کند؛ **الف-عوامل روبنایی** (مانند فشار جمعیت، دفاع یا پیروزی سرزمین خود، تقویت و تولید و تجارت)، ب-**عوامل ساختاری** که تحت عنوان‌های: **خویشاوندی** (به بررسی رابطه بین قرابت سببی و خویشاوندی با سازماندهی در جنگ می‌پردازد)، **اقتصاد** (که بیشتر به این نکته تأکید می‌کند که احتمال افزایش تولید ممکن است راهی را برای جنگ باز می‌کند) و **سیاست** (بر نقش سازمان‌های سیاسی، رهبران، الگوهای سیاسی، اتحاد در جنگ تأکید می‌کند) مورد مطالعه قرار می‌دهد، ج-**عوامل زیر بنایی** که سعی در ارتباط دادن الگوی جنگ به برخی از موارد الگوی فرهنگی چون عقاید، آداب و رسوم را دارد.

2- در مورد دوم این نظریه بر این باور است که در دلایل مادی جنگ (که در بالا ذکر شد) را نباید صرفاً دلیل جنگ دانست بلکه باید به موارد انگیزشی (شامل همه فشارها، عوامل و اختیارها، هم ذاتی و هم خارجی) را قبل از دلایل مادی را مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال انگیزه که موجب می‌شود یک قوم به علت داشتن گاو میش بیشتر (دلیل مادی) بجنگند این است که از لحاظ ارزش فرهنگی که گاو میش را یک منبع شأن اجتماعی می‌داند، می‌جنگد.

3- این نظریه بر این نکته تأکید دارد که مهم این است که انواع خویشاوندان (سببی، مادی، نسل اجدادی و غیره) کدامند و چگونه در تصمیمات آن‌ها برای طرفداری در هنگام مشاجره و جنگ موثر است و همچنین مطالعه کشمکش و حل آن‌ها باید با توجه به مطالعه گسترده شجره شناسی و هنر تولید مثل تمام افراد به عنوان زمینه اصلی در مقابل انتخاب‌هایی که فرد دارد انجام شود (ر. ک کمالی، 1389،224-183).

در یک تقسیم بندی دیگری، نظریه های انسان شناسی در مورد دلایل جنگ در سه گفتمان بیان می‌کند: 1- **گفتمان طبیعت گرا:** این گفتمان دلیل تهاجم را به دست آوردن فضا و منابع معیشتی در یک اقتصاد مبتنی بر شکار می‌داند. خشونت یک فن دستیابی به غذاست و جنگ نوعی شکار انسان می‌باشد.2- **گفتمان اقتصادگرا:** این گفتمان بر این نکته تأکید می‌کند که در جوامع ابتدایی نوعی کمبود شدید در منابع معیشت وجود داشت و همین امر کار را به مبارزه برای حفظ بقا و تعارض مسلحانه کشانده است.3- **گفتمان مبادله گرا:** این گفتمان جنگ را به تجارت پیوند داده و آن را نتیجه یک مبادله نافرجام می‌داند (ریویر، 1382، 203).

**نمونه کارهای انسان‌شناسان در مورد جنگ:**

بخش عمده کارهای صورت گرفته در زمینه انسان شناسی جنگ مربوط به بررسی سیر تحول جنگ در مراحل مختلف تاریخ از ابتدا تا به امروز انسان‌ها می‌باشد که معمولاً با توجه به تقسیم بندی که از مراحل زندگی بشر می‌دهند به بررسی تغییر و تحولات جنگ در مراحل مختلف با توجه به ویژگی‌های خاص محیطی، زیستی و فرهنگی آن مرحله می‌پردازند.

به عنوان نمونه در یک بررسی، مراحل مختلف جنگ را در چهار دوره تقسیم بندی می‌کند؛ 1-مرحله شکار و گردآوری خوراک،2- مرحله کشاورزی،3-مرحله صنعتی،4-مرحله فرا صنعتی. که در هر دوره ای به بیان اهداف، انگیزه‌ها، زمینه‌ها، ابزار و وسائل و ابعاد جنگ می‌پردازد (ر. ک ایوبی،1376، 59-29). که خلاصه آن در جدول زیر آمده است:

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نوع جامعه | جمعیت و شیوه زندگی | تکنولوژی جنگ | نظام سیاسی | نوع اعمال قدرت |
| جوامع شکار و گردآورنده خوراک | گروه های کوچک و غیر ساکن | ابزار و وسائل سنگی نیزه و کمان | عشیره هم‌خون کلان و قبیله | خصومت‌های مبتنی بر خونخواهی و جنگ‌های ابتدائی و جنگ‌های نیمه منظم |
| جوامعی که در مراحل اولیه کشت و زرع زندگی می‌کنند | افزایش مطلق نسبی جمعیت یکجانشین و ایجاد اولین شهرک‌ها | سلاح‌های فلزی | دولت | جنگ با استفاده از ارتش نیمه منظم |
| جوامع کشاورزی | افرایش و رشد جمعیت، گسترش شهرها | ابزار و سلاح فلزی استفاده از اسب | دولت از اشکال باستانی گرفته تا دولت‌های بزرگ و مدرن امروزی | جنگ منظم |
| جوامع صنعتی | رشد چند برابر جمعیت و سکونت اکثریت مردم در شهرها | تولیدات صنعتی و نظامی | دولت‌های مدرن | جنگ منظم و تخریب انبوه |
| جوامع فرا صنعتی | رشد جمعیت و گسترش کلان شهرها و افزایش ارتباطات | تولیدات ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی | دولت شهرها و جمهوری‌های کوچک | استفاده از همه نوع شیوه های جنگ در گذشته به تناسب نوع جنگ |

در یک تقسیم بندی دیگر از مراحل مختلف جنگ در بین جوامع، آن را در پنج مرحله بررسی می‌کند:

مرحله اول: باند بوده است که در آن جنگ کمتر اتفاق افتاده و اگر هم می‌افتاده، تک به تک و به وسائل و ابزار ابتدایی بوده است.

مرحله دوم: جامعة روستای بوده است که در آن بشر به یکجانشینی پرداخته و جنگ برای بدست آوردن مرتع و آب پس از زیاد شدن جمعیت، بین آن‌ها در می‌گرفته است.

مرحله سوم:جامعة قبیله بوده است که از اتفاق و اتحاد چند روستا به وجود آمد. جنگ در جوامع قبیله ای گسترده تر شد و گذشته از مرتع و آب، توسعة فرهنگی و گاه مذهبی بدان اضافه گردید.

مرحله چهارم:جامعه امارت بوده است که از اتحاد و اتفاق چند قبیله و گاه غلبة قبیله ای بر قبایل دیگر به وجود آمد. در این جامعه جنگ پیچید تر شده و معمولاً در خارج از محل سکونت انجام می‌شد.

مرحله پنجم: جامعة کشور است که از اتحاد و پیوند چند امارت به وجود می‌آید و دارای قانون سراسری و یک حکمران یا شاه بود. جنگ‌های کشوری بسیار گسترده تر از جنگ‌های دیگر بود که در زمان حاضر حتی بسیار پیچید تر هم شده است (ر. ک کمالی، 1389، 33-17).

بسیار کارهای دیگری که انسان‌شناسان در زمینه جنگ انجام دادند در غالب کارهای موردی و یا به عبارت دیگر در یک قبیله و روستا و یا حتی یک کشور خاص می‌باشد که معمولاً به بررسی چرایی جنگ طلب و یا صلح طلب بودن قبیله و یا روستای مربوطه می‌پردازند.

برای نمونه ناپلئون چاگون (Napoleon Chagnon) سال‌ها در میان مردم قبیله یانومامو (Yanomamo) که یکی از جنگ طلب ترین مردم جهان هستند به تحقیق و کار مردم نگاری پرداخت و نتایج کار خود را در غالب کتاب‌ها و مقالات و فیلم‌های مستندی مختلفی بیان کرد (D'Antonio، 2000، 23-10؛ سایت ویکی‌پدیا، مدخل Napoleon Chagnon) .

کار دیگری که شاید بتوان در غالب انسان شناسی جنگ بیان کرد، کتاب روث بندیکت (Ruth Benedict) ([۱۸۸۷](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B8%DB%B8%DB%B7_%28%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C%29)- [۱۹۴۸](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B9%DB%B4%DB%B8_%28%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C%29) ) به نام گل داودی و شمشیر (The Chrysanthemum and the Sword) می‌باشد که نویسنده به دعوت و برای وزارت امور خارجه آمریکا و دفتر اطلاعات جنگ (Office of War Information) نوشته است. بندیکت مأموریت داشت تا به توضیح فرهنگ و به خصوص به نظامی گری ژاپنی‌ها بپردازد و فهم پذیری خود را ارائه دهد. بندیکت به منظور فهمیدن و پیش بینی رفتارهای ژاپنی در جنگ جهانی دوم توسط «انسان شناسی از راه دور» (anthropology at a distance) که به مطالعه فرهنگ ژاپن از طریق تحقیقات اسنادی، ادبیات، بریده روزنامه، فیلم ژاپنی و همچنین مصاحبه گسترده با ژاپنی‌های آمریکایی پرداخت. این کتاب ابتدا به صورت یک مقاله داخلی به عنوان «گل داودی» در میان نیروهای مسلح آمریکایی توزیع شد و سپس به صورت یک کتاب تهیه شد (سایت ویکی‌پدیا، مدخل The Chrysanthemum and the Sword).

کار دیگری که در آخر به عنوان مطالعات انسان شناسی جنگ اشاره می‌کنیم، مربوط به کاری از رابرت ساترلند راتری (Robert Sutherland Rattray) (1938-1881) در قرن نوزدهم می‌باشد که به بررسی یک جنگ در سرزمین طلا واقع در آفریقای غربی و سیا پوستان آشانتی (Ashanti) پرداخت، جنگی که بر سر یک چهارپایه زرین بین انگلیسی‌ها و بومیان در جریان بود و تلفات زیادی صورت می‌گرفت. در این تجربه راتری موفق شد به انگلیسی‌ها بفهماند که چهار پایه زرین روح اشتراکی قوم آشانتی محسوب می‌شود که عموم مردم حاضرند برای حفظ آن تا پای جان مبارزه نمایند (ایوبی راد، 1376، 2؛ Machin، 1998، 67-47).

**نتیجه:**

شناخت جنگ از طرف انسان‌شناسان از منشأ و ماهیت و گذشته و همچنین زمینه‌ها جنگ شروع می‌شود و سپس به بیان تغییرات و تحولات و همچنین نمودها و رفتارها فرهنگی در طول جنگ می‌پردازند و در آخر به بیان پیامدهای اجتماعی و فرهنگی جنگ می‌پردازند.

**منابع و مآخذ:**

-اوژه، مارک و ژان-پل کولن، (1388)، انسان شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران:نشر نی.

-ایوبی راد، محمد، (1376)، جنگ و صلح از دیدگاه مردم شناسی، پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

-کمالی، محمد شریف، (1389)، انسان شناسی صلح و جنگ، تهران: نشر سمیرا.

-ریویر، کلود، (1382)، انسان شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران:نشر نی.

- D'Antonio, Michael, [**Napoleon Chagnon's War of Discovery**](http://cogweb.ucla.edu/Abstracts/Chagnon_00.html), *LA Times Magazine*, 30 January 2000.

- Machin, Noel, (1998) , [*Government Anthropologist: a life of R.S. Rattray*](http://lucy.ukc.ac.uk/Machin/), Eliot College, University of Kent at Canterbury CT2 7NS.

سایت:

-سایت ویکی‌پدیا، <http://en.wikipedia.org/wiki/Napoleon_Chagnon>.

-همان، <http://en.wikipedia.org/wiki/The_Chrysanthemum_and_the_Sword>.

**separdeh@yahoo.com**